



## عمارت کار بری های دیگری هم دارد

به ویژه آن اوایل که خیلی به سرو و وضعش نرسیده بودیم ولی چون عوامل فیلم روزهای زیادی می خواستند بمانند، نشد با آن ها همکاری کنیم. حتی برای عکاسی کودک و عروس و داماد هم می آیند. البته الان منتظریم بازسازی تمام بشود تا تصمیم بزرگ تری برایش بگیریم. برای قسمت کارخانه هم برنامه داریم که آن جا را بعد از بازسازی به شغل های مرتبط و سنتی بدھیم. مثلا کارگاه های معرق یا کاشی سازی سنتی و... فعلا فکر و ذکر تکمیل بازسازی است.»

برایم سوال پیش آمد که خانه با این مشخصات می تواند کاربری های دیگری هم داشته باشد یا نه، آقای رهنوردی پاسخ می دهد: «علاوه بر این که مادر آن زندگی و مهمانان پذیرایی می کنیم، از عمارت برای عکاسی هم استفاده می شود مثلا عده ای برای عکاسی تبلیغات محصولات شان می آیند.

یک بار برای تصویربرداری کلیپ موسیقی آمدند. برای ساخت فیلم و سریال هم آمده اند. لوکیشن باغ و کارخانه پشتش به در د فیلم های ترسناک می خورد،

## عمار تی سبز و سازگار با محیط زیست



قبل و بعد بازسازی سرداب

معماری قدیمی طوری بوده که خانه ها سازگاری زیادی با طبیعت داشته باشند. خانه های قدیمی به اصطلاح «سبز» بوده اند، یعنی دوستدار محیط زیست. آقای رهنوردی درباره این ویژگی عمارت توضیح می دهد: «طراحی این خانه ها طوری است که با محیط زیست سازگار است. طبقه بالا، خانه تابستانی است. عمارت، وسط حیاط است، پنجره های دو طرف خانه باز می شوند و در فصل گرم به کولر نیازی نداریم. سقف طبقه پایین هم کوتاه است و آن جا خانه زمستانی بوده تا گرم تر باشد.

همه مصالح طبیعی است. در این خانه از سیمان استفاده نشده و فقط با سنگ، آهک، ساروج و چوب ساخته شده است. نرده ها بدون جوشکاری وصل شده و از هنر شکل دهی و گیره استفاده کرده اند. ضخامت دیوار ها حدود یک متر است چون ستون ندار د و از خشت خام استفاده شده است. اسکوزمستان های سختی دارد ولی باور کردنی نیست که به دلیل معماری و ضخامت دیوار ها، همه فضای خانه به آن بزرگی را با دو تا بخاری روی شعله خیلی کم گرم می کنیم. انبار غله مان که یک تن گندم در آن جامی گیر، از چوب روسی ساخته شده و لولاهای در هایش بدون جوشکاری است.» او درباره فضای سبز خانه هم توضیح

## خانه های قدیمی «روح» دارند

می پرسم این عمارت چه دارد که شمارا مشتاق به خرید و بازسازی اش کر ؟ پاسخ می دهد: «اگر کمی مطالعه کنیم با خانه های قدیمی را ببینیم، متوجه می شویم حال و هوای دیگری دارند. انگار زنده هستند و با آدم صحبت می کنند. الان دوستان مان که برای بازدید می آیند می گویند ما خانه قدیمی دیده ایم ولی این خانه انگار روح و انرژی مثبت دارد. الان آپارتمان های کوچک که حتی حیاط ندارند هم برای بچه ها خوب نیست. مردم از آپارتمان و خانه های

## هم سود مالی و هم آسایش روانی

می پرسم آیا این کار را به زوج های جوان و خانواده ها پیشنهاد می دهید یا خیر ؟ پاسخ می دهد: «برای انجام این کار دو مسئله وجود دارد ؛ یکی مسئله اقتصادی است که آیا این کار سود دارد یا نه، بعد هم مسئله روحی و روانی که برای دل شان این کار را انجام می دهند. ما برای دل مان این کار را کر دیم نه سود اقتصادی، ولی زمانی که این جا را خریدیم به خانمم گفتم که سود هم کر دیم. الان هم از نظر روحی و روانی آسایش داریم و هم امنیت بیشتری دارد. مثلا سرقتی در کار نیست و حتی از نظر اقتصادی هم زندگی در شهر کوچک به صرفه تر و هزینه هایش کمتر است. الان که مهاجرت معکوس شده، خیلی ها دوست دارند از شهر ها به روستا ها و شهر های کوچک برگردند تا هم از نظر اقتصادی و هم از نظر روحی و روانی در آسایش باشند و از هیاهو و دود و دم ماشین دور شوند.» در حالی که برای زندگی در چنین عمارتی رویا پردازی می کنم، آقای رهنوردی می گوید: «فعلا که ما نان و پنیر و عمارت می خوریم! تا تعطیل می شویم تلفن ها زنگ می خورد و دوست و فامیل می گویند اگر آن جا هستید غذا بیاوریم و بپاییم. ما هم برنامه ریزی کر ده ایم تا بتوانیم از همه پذیرایی کنیم. همسر سال هاست که روز بیست و هشتم

# خانه متر و کله ای که به عمارت آرامش تبدیل شد

گفت و گو با هموطن خوش ذوقی که یک خانه باغ ۱۰۰ ساله شامل انبار غله، سرداب و مطبخ قدیمی را خریده و به روش سنتی و دوستدار محیط زیست بازسازی کرده است



علیرضا کاردار | روزنامه نگار

### پرونده

در زمانه ای که خرید خانه برای عده زیادی به رویا تبدیل شده، هنوز هم می توان با مبالغی بسیار کمتر از آن چه در سایت ها و نگاه ها می بینیم و می شنویم، صاحب خانه شد. البته به این راحتی نیست و داشتن یک مبلغ اولیه به اضافه صبر و سخت کوشی هم لازم است. همراه با ترک کردن عادت هایی مثل سکونت در شهر بزرگ، نزدیکی به خانواده و تحمل موقتی بعضی سختی ها. چندی پیش در اینستاگرام با صفحه یک خانه زیبا در اسکوی آذر یا بجان شرقی آشنا شدم که صاحب آن، مراحل بازسازی اش را برای مخاطبان به نمایش گذاشته بود. با صاحب خانه تماس گرفتم و از چند و چون کارش پرسیدم. او گفت برای تبدیل یک خانه مترو که به یک عمارت زیبا و دلر با، که به قول خودش به درد لوکیشن فیلم های ترسناک می خورده، زحمت زیادی کشیده و هنوز هم مشغول است. پرونده امروزم مناسب کسانی است که به معماری قدیمی و خانه های بزرگ علاقه دارند.

## داستان خرید عمارت

وقتی تماس گرفتم و صحبت کر دیم، از شنیدن لهجه زیبای آذری اش لذت بردم و از زحمت هایی که کشیده بود، تعجب کر دم. آقای «شهرام رهنوردی»، متولد ۱۳۵۸ و ساکن تبریز می گوید: «مدیریک موسسه حقوقی داوری هستم. من و همسر یک دختر حدود ۴ ساله داریم و به امید خدا منتظر فرزند دیگری هم هستیم. خوشبختانه با همسرم خیلی تفاهم داریم. به ویژه در زمینه علاقه به هر آن چه که قدیمی است؛ از وسایل قدیمی گرفته تا ماشین و خانه و... مثلاً یکی از علاقه های من خرید خودروهای قدیمی و بازسازی آن هاست که بعد می فروشم. برایم جالب است بدانم چطور یک جوان توانسته این خانه را بخرد. داستان خرید «عمارت آرامش» را از او می پرسم که این طور پاسخ می دهد: «من تبریزی هستم و خانواده همسرم اصالتا اهل اسکو هستند. در یک طبقه از خانه پدری ام ساکن بودیم، کنار مادرم. ما در تبریز یک دانگ زمین حدود ۵۵ متری داشتیم به اضافه یک باغ کوچک با داماد در حاشیه شهر. زمین کوچک را گذاشته بودیم تا با فروش آن آپارتمان بخیریم. باغ هم قیمتی نداشت و به حال خودش رها کر ده بودیم. در محله مادر بزرگ همسرم در اسکو یک خانه قدیمی بود که به ما پیشنهاد دادند آن را بخیریم. ولی چون بزرگ بود، نمی توانستیم جلو برویم. از اسکو تا تبریز نیم ساعت راه است. با همسرم نشستیم فکر کر دیم و به این نتیجه رسیدیم تا وقتی با بقیه مالکان آن زمین به تفاهم برسیم و بفروسیم و خانه بخیریم یا بسازیم و... خیلی زمان خواهد گذشت و حتی ممکن است به نتیجه نرسیم. پس چرا الان ریسک نکنیم؟ این عمارت هم یک خانه قدیمی به قول معروف اشرافی بود که بیشتر ورثه اش خارج از کشور بودند. بالاخره به کمک پدر همسرم ورثه را با مکافات پیدا کر دیم و آن زمین کوچک و باغ را فروختیم و توانستیم این جا را بخیریم.»



## بعد از خرید فهمیدیم چه خریده ایم!

از او می خواهم که مشخصات خانه و شرایط خریدش را برای مان بگوید، توضیح می دهد: «از سال ۱۳۹۴ که مادر خانواده صاحب قبلی این عمارت فوت کر ده بود، خانه خالی مانده بود و فقط یک سرایدار در طبقه پایین آن زندگی می کر د. خانه ۱۲۶۰ متر عرصه و ۴۰۰ متر زیر بنا دارد، به اضافه یک کارخانه قدیمی که پشت خانه است. سند کارخانه جدا بود که با خانه آن را هم خریدیم و می خواهیم به هم وصل کنیم. خانه در یک کوچه اختصاصی است و سمت راست آن کلا متعلق به این عمارت است. یک در به کارخانه دارد، یکی به خانه و در آخری هم به باغ پشتی عمارت باز می شود. کوچه ماشین رو نیست، چون زمان حمله روس ها عرض کوچه را باریک گرفته بودند تا اسب سواران نتوانند در آن دور بزنند و برای خانه ها مزاحمت ایجاد کنند. سال ۱۳۹۹



## مراحل بازسازی عمارت

در عکس ها و فیلم هایی که از قبل و بعد بازسازی خانه دیدم، مشخص بود آقای رهنوردی برای تبدیل آن خانه مترو که و مخروبه به این عمارت زیبا، زحمت زیادی کشیده است. خودش مراحل کار را این طور توضیح می دهد: «عمار ت در حال خراب شدن بود. در این سه سالی که خانه را خریده ایم، شروع به بازسازی آن کر ده ایم ولی چون بزرگ است زمان بیشتری برای تکمیل آن لازم داریم. می خواهیم به روش سنتی بازسازی کنیم که به دلیل گرانی مصالح و کارگر فعلا دست نگه داشته ایم. خیلی از کارها را خودم و برادرم و دوستانم انجام داده ایم. تا امروز حدود ۴۰۰ میلیون تومان هزینه کر ده ایم. بازسازی طبقه بالاتمام شده است. بازسازی طبقه پایین هم که شامل سرداب



ماه صفر آشن نذری می دهد، در این سال های اخیر مراسم را در عمارت برگزار می کنیم. دوسه روز مانده به بیست و هشتم خانم های فامیل می آیند برای پاک کردن سبزی و حبوبات را تمیز می کنند تا برای آن روز آتش بپزیم. هر وقت تبریز تشریف آوردید به ما هم سر بزنید، در خدمت هستیم.»